

به نام خدا

جمهوری اسلامی ایران

چارچوب استراتژی توسعه پایدار کشاورزی

در جمهوری اسلامی ایران

گزارش نهایی

سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد

و

مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی

پروژه

TCP/IRA/0168

سازمان خواربار و کشاورزی

دفتر منطقه ای ، قاهره

۲۳ ژوئن ۲۰۰۵

فهرست برگه

چارچوب استراتژی توسعه پایدار کشاورزی در جمهوری اسلامی ایران / گزارش نهایی سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد و مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی. - تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، مدیریت امور پردازش و تنظیم یافته‌های تحقیقاتی، ۱۳۸۴. ۲۸۷ ص.

ISBN 964-5549-64-7

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

پروژه TCP IRA/0168 سازمان خواربار و کشاورزی دفتر منطقه‌ای، قاهره ۲۳ ژوئیه ۲۰۰۵. کتابنامه: ص. ش.

۱- کشاورزی و دولت - ایران. ۲- کشاورزی پایدار - ایران. ۳- کشاورزی - ایران - ترویج. ۴- کشاورزی - ایران - جنبه‌های اقتصادی. الف. مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی. مدیریت امور پردازش و تنظیم یافته‌های تحقیقاتی. ب. سازمان خواربار و کشاورزی

ملل متحد (FAO) Food and Agricultural Organization of the United Nations

۲/۲۰۶۵/HD ۳۳۸/۱۰۹۵۵

م ۸۴/۲۳۵۷۸

کتابخانه ملی ایران

مشخصات:

عنوان: چارچوب استراتژی توسعه پایدار کشاورزی در جمهوری اسلامی ایران

تهیه و تنظیم: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی

مترجمان: احمد دهقان، هومن فتحی

تایپ و صفحه‌آرایی: ابراهیم حبیبی سیاهپوش

طراحی روی جلد: مؤسسه فرهنگی هنر سبز

تاریخ انتشار: ۱۳۸۴

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

اجرا: انتشارات تابان

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

ناشر: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی - مدیریت امور پردازش و تنظیم

یافته‌های تحقیقاتی

نشانی: خیابان کریمخان زند - انتهای آبان جنوبی - خیابان رودسر - پلاک ۹

<http://www.agri-peri.ir> E.mail: aperi @ agri-peri.ir

تلفن: ۸۸۸۹۲۳۹۶ - ۸۸۸۰۸۶۳۳، نمابر: ۸۸۸۹۶۶۶۰

ISBN: ۹۶۴۶-۵۵۴۹-۶۴- ۷

خلاصه

جمهوری اسلامی ایران ۱/۶۴۸ میلیون کیلومتر مربع وسعت دارد. در حدود ۱۱/۵ درصد کل مساحت کشور تحت کشت محصولات مختلف، ۱۹/۵ درصد سایر اراضی قابل کشت، ۷/۵ درصد جنگل، ۵۴/۵ درصد مراتع و تپه‌ها و ۷ درصد سایر کاربری‌ها نظیر جاده‌ها، شهرها و غیره می‌باشد.

کل اراضی قابل کشت کشور ایران در حدود ۳۷ میلیون هکتار است که ۱۷ میلیون هکتار آن قابل آبیاری و ۲۰ میلیون هکتار اراضی غیرقابل آبیاری می‌باشد.

سه‌م بخش کشاورزی در کل تولید ناخالص داخلی از ۱۹/۴ درصد در سال ۱۹۸۹ به ۱۶/۲ درصد در سال ۲۰۰۰ کاهش یافته است، سه‌م بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی عمدتاً از زراعت، باغداری و دام است.

رشد پایدار بخش کشاورزی برای رشد و توسعه کل اقتصاد و توزیع عادلانه درآمد لازم است. بخش کشاورزی از طریق تأمین مواد غذایی، مواد خام برای صنعت، محصولات صادراتی و نیز تأمین هزینه بازار تولیدات غیرکشاورزی اثرات مثبت و مستقیمی بر رشد اقتصادی کشور دارد.

بخش کشاورزی با ۳/۲۶۲ میلیون نفر نیروی انسانی در سال ۱۹۸۹ سهمی برابر با ۲۷/۵ درصد و در سال ۲۰۰۴ سهمی برابر با ۲۳/۳ درصد در کل اشتغال کشور داشته است.

براساس آمار سال ۲۰۰۰ علیرغم شرایط بد آب و هوایی نسبت خودکفایی کشور در مورد محصولات نظیر گندم، سیب‌زمینی، شکر و حبوبات به ترتیب در حدود ۵۸/۵، ۱۰۰، ۴۳ و ۹۸/۸ درصد و در مورد روغن خوراکی، گوشت قرمز، شیر و آبیان به ترتیب ۵/۶، ۹۹/۶، ۹۸/۱ و ۹۹/۵ درصد بود. نسبت خودکفایی در سال ۲۰۰۳ به طور قابل ملاحظه‌ای بهبود یافت به نحوی که این نسبت در مورد گندم به ۹۴/۶ درصد رسید و کشور علاوه بر خودکفایی در مورد محصولات نظیر حبوبات، گوشت ماهی، سبزیجات و میوه از نظر گندم نیز که از مهمترین محصولات اساسی کشور است بی‌نیاز از واردات شد.

صادرات غیرنفی از ۴۳۱۲/۲ میلیون دلار آمریکا در سال ۱۹۹۰ به ۳۴۸۶/۶ میلیون دلار آمریکا در سال ۲۰۰۰ رسید. سه‌م بخش کشاورزی در صادرات غیرنفی از ۴۰/۳ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۲۳ درصد در سال ۲۰۰۰ کاهش یافت.

با توجه به عدم تعادل سطوح زیرکشت و تعداد دام با منابع آب تجدیدشونده و ظرفیت مراتع، خشکسالی‌ها باعث صدمات جبران‌ناپذیری به منابع تولید از جمله منابع آب می‌شود که خود اثرات منفی بر تولیدات کشاورزی دارد.

سیاست‌های حمایتی اقتصادی مورد نظر در اهداف برنامه‌های پنج ساله در جهت توسعه اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی هدایت شده است. اصلاح نظام پولی و بازار مالی، کنترل تورم، تشویق سرمایه‌گذاری و تأمین امنیت غذایی، ایجاد فرصت‌های شغلی، حذف انحصارات اقتصادی، کاهش نقش دولت از طریق حمایت از خصوصی‌سازی و تعاونی کردن فعالیت‌ها در زمره اهداف اصلی برنامه‌ریزی توسعه و سیاست‌های حمایتی بوده است.

متوسط عملکرد محصولات آبی و دیم در سطح ملی پایین و توأم با نوسانات زیاد بوده است. دلیل آن بعضاً ناشی از کوچک و پراکنده بودن قطعات زراعی، پیر بودن و کم سوادی نیروی کار در روستاها می‌باشد که بعضاً باعث کندی سرعت دسترسی کشاورزان به فن‌آوری جدید شده است. از دیگر دلایل پایین بودن بهره‌وری تولید، عدم

استفاده کافی از بذور اصلاح شده، بستر نامناسب کشت، ناکافی بودن و عدم تعادل در مصرف کود و مدیریت ضعیف آبیاری و کنترل آفات و نارسایی در تحقیقات و ترویج است.

با پیروزی انقلاب اسلامی توسعه بخش کشاورزی و روستایی در اولویت قرار گرفت و به منظور تولید پایدار و تأمین امنیت غذایی، تأکید خاصی به زیربخش‌های زراعت و باغداری و دام به عمل آمد. علیرغم رشد سریع در تولید محصولات کشاورزی لازم بود به منظور بهبود رقابت‌پذیری این محصولات و توسعه بازارهای جهانی کیفیت و بهره‌وری محصولات باغی بهبود یابد. بخش قابل ملاحظه‌ای از باغات کشور قدیمی است و نیاز به جایگزینی دارد. زیربخش باغبانی در برنامه پنج ساله سوم و چهارم توسعه برنامه‌هایی برای جایگزینی و گسترش باغات کشور، بهبود کیفیت و عملکرد آنها در دست اقدام دارد که از آن جمله می‌توان به کاشت یک میلیون هکتار باغات زیتون اشاره نمود.

پسته، خرما، مرکبات از جمله پرتقال و نارنگی، انواع لیمو و انگور از مهمترین محصولات باغی برای مصرف داخلی و صادرات می‌باشند.

در حدود بیش از ۳۸۸ هزار هکتار باغ پسته در کشور احداث شده است و انتظار می‌رود که این سطح همچنان افزایش یابد. ایران بزرگترین تولیدکننده پسته در جهان است. تا دهه ۱۹۵۰ ایران بزرگترین صادرکننده کشمش به بازار جهانی بود. علیرغم وجود رقابت از جانب سایر کشورها، امکان افزایش بازار صادراتی کشمش همچنان وجود دارد.

خرما نیز یکی از محصولات مهم کشور است. در سال ۲۰۰۰ ایران با تولید ۸۷۰ هزار تن و صادرات ۱۲۲ هزار تن خرما دومین کشور تولیدکننده خرما بود.

تولید محصولات گلخانه‌ای در حال گسترش است. در ایران زمینه مناسبی برای گسترش و تولید این محصولات، به ویژه در اطراف شهرهای بزرگ وجود دارد. با این حال برای اطمینان از موفقیت آن لازم است در ابتدا نواحی مناسب برای کشت آنها از نظر اکولوژیکی مشخص شود. به لحاظ سرمایه بر بودن این نوع فعالیت‌ها لازم است در مراحل اولیه دولت از آنها حمایت نماید. همچنین می‌بایستی حمایت‌های تحقیقاتی و ترویجی از تولیدکنندگان به عمل آید. به منظور کاهش مصرف سموم آفت‌کش و در نتیجه کاهش آلودگی خاک و آب و خطرات سلامت انسانی، تولید گلخانه‌ای می‌بایستی براساس مدیریت تلفیقی آفات انجام شود.

در ایران در حدود ۵/۵ میلیون رأس گاو بومی، ۰/۸ میلیون گاو غیربومی و ۲/۲ میلیون گاو دورگ وجود دارد. برای کاهش فشار روزافزون بر مراتع و افزایش عملکرد دام لازم است نژادهای بهتری در کشور معرفی شوند.

ظرفیت مراتع توان پاسخگویی به جمعیت ۵۳/۹ میلیون رأس گوسفند و ۲۵/۷۶ میلیون رأس بز را ندارد (آمار سال ۲۰۰۲). همچنین مقدار علوفه تکافوی خوراک دام را نمی‌کند. بنابراین کشور مجبور است سالانه بیش از ۲/۵ میلیون تن خوراک دام از جمله جو، ذرت و سویا وارد کند. لازم است برای کنترل تخریب مراتع، جمعیت دام وابسته به مراتع کاهش یابد. با توجه به محدودیت زمین زراعی و منابع آب قابل دسترس و افزایش تخریب مراتع، می‌بایستی بهره‌وری را به عنوان کلید افزایش تولید فرآورده‌های گوشتی و طیور مدنظر قرار داد.

صنعت طیور خصوصی است و برخی خدمات از طریق تعاونی‌ها ارائه می‌شود. تقاضا برای فرآورده‌های طیور در سال ۲۰۰۲ در حدود ۱/۲ میلیون تن گوشت مرغ و ۷۷۵ هزار تن تخم مرغ بود.

ایران پتانسیل بسیار زیادی برای گسترش فعالیت‌های آبرزی پروری دارد. دریای خزر در شمال، خلیج فارس و دریای عمان در جنوب و نیز پهنه‌های آبی داخلی و رودخانه‌ها زمینه مناسبی برای گسترش شیلات، پرورش ماهیان گرمابی و سردآبی دارند. ولی به لحاظ عدم هماهنگی مناسب و عدم ارتباط بین تحقیق، مدیریت استفاده از منابع، کنترل کیفی، فرآوری و بازاریابی، توسعه منابع شیلاتی، حفاظت و تولید پایدار آنها بهینه نیست. طی ۲۰ سال گذشته در راستای سیاست خصوصی‌سازی برخی از خدمات دامپزشکی مثل واکسیناسیون، تأمین دارو و معالجه دام از طریق کلینیک‌ها و داروخانه‌های خصوصی انجام می‌شود.

اثربخشی امکانات قرنطینه‌ای در ایران به لحاظ داشتن مرزهای طولانی با هفت کشور همجوار که بعضاً دستخوش نا آرامی‌اند، می‌تواند سؤال برانگیز باشد. این شرایط محیط امنی برای قاچاق دام فراهم نموده است. در ایران تنها در حدود ۱۲/۸ میلیون هکتار زیر پوشش جنگل است. از بین جنگل‌های ایران، جنگل‌های خزری و بخش‌هایی از جنگل‌های بلوط زاگرس و ارسباران را می‌توان به عنوان جنگل‌های واقعی به حساب آورد. سایر اراضی جنگلی بیشه زار و بوته زارهای فقیر می‌باشند. نیمی از جنگل‌های ایران (۶/۱ میلیون هکتار) تخریب شده و بقیه آن به صورت چراگاه‌های مرتعی در آمده‌اند. قطع درختان جنگلی، چرای بی‌رویه زیراشکوب جنگل‌ها، آتش‌سوزی و تبدیل جنگل‌ها به اراضی کشاورزی و مناطق مسکونی علل تخریب جنگل‌ها می‌باشد.

طی ۲۵ سال گذشته، چرای مفرط باعث ایجاد تغییر در ترکیب مراتع شده است. نابودی گونه‌های علف‌های چند ساله و جایگزین شدن آنها با گونه‌های نامرغوب از پیامدهای چرای مفرط و مستمر است. برنامه مدیریت واحدی که مبتنی بر مطالعات علمی برای تطبیق جمعیت دام و ظرفیت مراتع در شرایط معمول و تنش زا باشد وجود نداشته، ولی برنامه‌ای تحت عنوان تعادل دام و مرتع در دست انجام است که هدف از آنها ایجاد مدیریت واحدی بین دستگاه‌های مسئول مراتع، امور دام و عشایر کشور است. هر چند در فرآیند اجرا مشکلاتی به لحاظ ناهماهنگی به چشم می‌خورد.

تعاونی‌ها، بانک‌های تجاری و بانک کشاورزی برای خرید نهاده‌ها تسهیلات وام به صورت وثیقه‌ای در اختیار کشاورزان قرار می‌دهند. ولی کشاورز در زمانی محصول خود را برداشت کرده و می‌فروشد که عرضه محصول به بازار بیش از تقاضا است و این امر سبب کاهش قیمت‌ها می‌گردد. اما دولت با اجرای قانون تضمین خرید محصولات اساسی، کف قیمت را که متضمن هزینه تولید به علاوه سود قابل قبولی است تعیین می‌نماید و کشاورزان می‌توانند محصول خود را به سازمان تعاون روستایی بفروشند.

لیکن دلالت، کارخانه‌داران و سایر پیمانکاران که اقدام به خرید محصولات قبل از برداشت آنها می‌کنند، از این وضعیت سود می‌جویند. با توجه به این که انبارهای مشخصی برای صدور رسید انبار وجود ندارد، در این شرایط لازم است که قانون انبارداری تدوین شود.

بازارهای میوه و تره‌بار در همه شهرها وجود دارد. این بازارها اغلب خصوصی و شامل تعداد زیادی حق‌العمل‌کاراند که برای عمده‌فروشان و یا خریداران و تولیدکنندگان محل داد و ستد فراهم می‌سازند. آنها از خریدار ده درصد به عنوان هزینه می‌گیرند. تولیدکنندگان ملزم به پرداخت هیچ‌گونه حق دلالی نیستند. قیمت کالا به صورت دوجانبه تعیین می‌شود، ولی این قیمت برای فروشنده (تولیدکننده) و خریدار شفاف نیست. در مناطق

روستایی امکانات مناسبی برای نگهداری محصولات فسادپذیر وجود ندارد. بنابراین ضایعات بعد از برداشت بسیار بالا است.

تاکنون سیاست‌های دولت عمدتاً بر محور افزایش تولید بوده است. کارخانه‌داران صنایع تبدیلی و پیمانکاران بر بازار احاطه کامل دارند و کشاورزان اغلب در تعیین قیمت دخالت ندارند. قدرت چانه زنی کشاورزان در مورد قیمت و یا نگهداری از تولید بسیار ضعیف است. بنابراین نیاز به یک نظام جایگزین بازاریابی است که بتواند درجه‌ای از آزادی برای تولیدکننده - فروشنده براساس ذائقه خریدار، فراهم سازد.

برای توسعه اقتصاد کشور تجارت خارجی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و صادرات کشاورزی سهم قابل ملاحظه‌ای در تجارت خارجی دارد، به نحوی که در سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۱ متوسط سهم صادرات کشاورزی از صادرات غیرنفتی در حدود ۳۶/۴ درصد بود. افزایش این سهم نه تنها موجب کسب درآمدهای ارزی بیشتری می‌شود، بلکه در ثبات اقتصادی و استقلال سیاسی مؤثر بوده و سطوح درآمد تولیدکنندگان بخش کشاورزی و نیروی کار روستایی را بهبود می‌بخشد.

صادرات کشاورزی ایران نسبتاً متنوع بوده و طیفی از میوه‌های تازه، خشکبار، پوست، چرم، خاویار، پسته، زعفران و گیاهان دارویی را در بر می‌گیرد که سهم پسته در آن قابل ملاحظه است.

بعد از انقلاب اسلامی، سیاست‌های تجارت خارجی در جهت کاهش وابستگی به واردات و تشویق صادرات غیرنفتی هدایت شد. بنابراین برای تحقق این مهم، صادرات کشاورزی از مالیات معاف گردید. در شرایط تحول اقتصادی کشور، به سبب جنگ و اجرای برنامه اول و دوم پنج ساله و با توجه به ذخیره ارزی کشور، طیف وسیعی از سیاست‌ها در مورد صادرات کشاورزی اعمال شد. از سال ۱۹۹۸ به منظور بهبود صادرات سیاست‌های محدودکننده انعطاف بیشتری پیدا نمود. در این شرایط اقتصادی، سیاست‌های صادراتی نیز از عدم ثبات رنج می‌برد و باعث بی‌اعتمادی صادرات‌کنندگان شد. بانک توسعه صادرات برای تشویق صادرات و به منظور تأمین اعتبار برای صادرات غیرنفتی ایجاد و خدمات آن به سرعت گسترش یافت.

بعد از جنگ تحمیلی و طی برنامه پنج ساله اول، میانگین سالانه واردات کالاهای کشاورزی به طور چشمگیری افزایش، اما میزان آن طی برنامه‌های دوم و سوم کاهش یافت.

سیاست‌های تجاری در ایران طی زمان و براساس اقتضای زمان نوسان داشته است. برخی از این تغییرات به شرح زیر خلاصه می‌شود:

۱. اعطای مجوز واردات برای کالاهای خاص با ارز حاصل از صادرات و بدون انتقال ارز خارجی
۲. گسترش اعتبارات اسنادی برای واردات همزمان کالا و خدمات
۳. نرخ شناور ارز برای حقوق گمرکی
۴. واردات کالا با گشایش اعتبارات اسنادی نزد وزارت بازرگانی
۵. منع نهادها و شرکت‌های دولتی از خرید ارز در بازار آزاد
۶. دریافت مالیات برای گشایش اعتبارات اسنادی برای کالاهای اساسی
۷. ممنوعیت واردات بدون انتقال ارز از طریق سیستم بانکی
۸. ممنوعیت داد و ستد ارز از مسیرهای خارج از نظام بانکی

۹. معافیت واردات کالاهای ساخته شده در کشورهای آسیای میانه از مقررات بانکی از جمله سپرده برای گشایش اعتبارات اسنادی
۱۰. ممنوعیت خرید و فروش یا انتقال ارز غیرمجاز برای مسافرت به خارج از کشور
۱۱. معافیت اعتبارات اسنادی از مالیات برای واردات کالاهای اساسی
۱۲. مجوز ورود کالا از کشورهای مستقل مشترک المنافع در مقابل صادرات (به استثناء قالی دستبافت و پسته) به همان مبادی
۱۳. مجوز صادرات قالی‌های دستبافت و پسته و استفاده از ۱۰۰ درصد ارز بعد از سپرده‌گذاری در بانک
۱۴. افزایش ارز تخصصی برای واردات کالاهای اساسی
۱۵. کاهش پیش پرداخت برای گشایش اعتبارات اسنادی و صورت حساب‌های LC تا ۹۰ درصد
۱۶. پیش پرداخت گشایش اعتبارات و یا صورت حساب اسنادی به صورت ریالی
۱۷. مجوز گشایش اعتبارات اسنادی به صورت یورو
۱۸. مجوز واردات ماشین آلات و قطعات یدکی کارخانجات توسط بخش خصوصی
۱۹. کاهش پیش پرداخت برای گشایش اعتبارات اسنادی و یا گشایش اعتبارات اسنادی تا سقف ۸۵ درصد
۲۰. مجوز واردات مرغ اجداد در مقابل ارز حاصل از صادرات
۲۱. مجوز واردات کالا بدون الزام به رویه‌های بانکی
۲۲. تأمین تسهیلات بیشتر برای واردکنندگان

علیهذا، در قانون برنامه سوم توسعه، با هدف ثبات در سیاست‌های تجاری به ویژه در زمینه توسعه صادرات، با تصویب مواد ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵ و ۱۱۶ خطوط روشنی در جهت رقابت‌پذیری محصولات در بازار داخلی و خارجی ترسیم و به اجرا گذاشته شد که ادامه این موضوع در برنامه چهارم مدنظر قرار گرفته است. با این حال، ارزیابی انگیزه‌های اقتصادی و مزیت‌های نسبی تولیدات مختلف کشاورزی پیش نیاز توسعه پایدار کشاورزی و امنیت غذایی است. تحلیل‌های انجام شده در مورد مزیت‌های نسبی کالاهای مختلف کشاورزی نشان می‌دهند که در مورد ستانده‌ها، انگیزه‌های قیمتی یارانه به سمت رژیم مالیاتی خنثی و یا رژیم مالیاتی اندک تغییر جهت داده‌اند و تا حدی یارانه نهاده‌ها قیمت پایین محصولات را جبران می‌کند، اما در اکثر موارد کشاورزان مشمول مالیات شده و یا ساختار کلی انگیزه ترکیبی از آنها را تشکیل می‌دهد.

بنابراین در صورت وجود مزیت نسبی، سیاست اعمال مالیات ضمنی و یا صریح برای کشاورزان سیاست منسجمی نخواهد بود. در حقیقت لازم است با پرداخت یارانه‌های غیرمخل بازار از محصولات کشاورزی حمایت به عمل آید. تغییر جهت از تخصیص یارانه به عواملی نظیر انرژی، آب و کود شیمیایی که موجب تخریب محیط زیست می‌شود، به یارانه‌هایی که موجب تقویت عملیات پایدار کشاورزی و یا آبیاری، تحقیقات، ترویج و بهبود بازاریابی و زیرساخت‌های بازرگانی می‌شود، قابل توصیه است. سود حاصل از محصولات سنتی مثل گندم، جو و برنج در حال حاضر کم است، ولی بررسی هزینه منابع داخلی نشان می‌دهد که مزیت نسبی این محصولات متوسط است. این

بدین معنی است که با انجام تحقیقات و ترویج بیشتری، می‌توان از این محصولات به عنوان جانشین واردات حمایت نمود.

به سادگی می‌توان مزیت‌های نسبی کشور در مورد غلات را از طریق بهبود بهره‌وری ارتقاء بخشید. مطلوب ترین سیاست حمایتی کشور برای خودکفایی غلات از طریق بهبود بهره‌وری و در نتیجه تخصیص منابع بیشتر برای کشت بیشتر علوفه و محصولات باغی آبی است.

علیرغم وجود مزیت نسبی چشمگیر برای تولید محصولات باغی و سبزیجات، کیفیت صادراتی این محصولات نشان می‌دهد که ایران حداکثر استفاده را از این فرصت نمی‌کند. سؤال مهم این است که چگونه این مزیت‌های نسبی به مزیت‌های رقابتی تبدیل شود. رقابت‌پذیری مستلزم وجود نهادهای صادراتی برای تدوین استانداردها، مقررات و شبکه اطلاع‌رسانی است. ایجاد «استانداردهای ملی کیفیت میوه» موجب افزایش تقاضا و قیمت محصولات صادراتی کشور و در نتیجه تشویق کشاورزان برای بهبود کیفیت محصول و افزایش بهره‌وری می‌شود. کارآیی بازاریابی میوه‌های تازه و سبزیجات برحسب حاشیه بازار پایین است. ایجاد نظام اطلاعات بازاریابی برای کشاورزان و استفاده مؤثر از آن برای بهبود رقابت‌پذیری لازم است.

یکی از مشکلات عمده تولیدات کشاورزی فسادپذیری محصولات است. در حال حاضر علیرغم افزایش چشمگیر تولیدات کشاورزی از ۴۴ میلیون تن در سال ۱۳۷۲ به ۷۱ میلیون تن در سال ۱۳۸۲، در حدود ۳۰ درصد آن ضایع و از دسترس خارج می‌شود. بنابراین برای جلوگیری از این ضایعات، افزایش کیفیت و بهبود صادرات محصولات کشاورزی و ایجاد اشتغال مولد، لازم است صنایع تبدیلی و تکمیلی نوسازی و گسترش یابند.

آبیاری یکی از عوامل مهم تولید در کشور است و ۹۰ درصد تولیدات کشاورزی به آن وابسته است. کیفیت و کمیت آب زیرزمینی به شدت متغیر است. توسعه آبیاری ضمن بهبود درآمد و شرایط زندگی جامعه روستایی به خودکفایی محصولات غذایی نیز کمک کرده است. کمبود و شوری آب از دلایل عمده پایین بودن عملکرد محصولات است. همچنین محدودیت آب باعث شده است که تراکم کشت محصولات زمستانه و بهاره و حتی محصولات تابستانه از ۴۰ درصد فراتر نرود. با این حال، بهره‌وری اراضی دیم را می‌توان از طریق اعمال معیارهای حفاظت از منابع آب و خاک و استفاده بهینه از نهاده‌ها در سطح بهینه بهبود بخشید. آبیاری در حدود ۹۲ درصد از مصرف آب کشور را تشکیل می‌دهد. با این حال برداشت از سفره‌های آب زیرزمینی از حد مجاز آن فراتر رفته و برداشت اضافی از آن سالانه به حدود ۵ میلیارد مترمکعب در سال می‌رسد. در نتیجه این اضافه برداشت سطح آب زیرزمینی در برخی از نواحی از جمله منطقه کرمان به شدت پایین رفته است. افزایش منابع آب در آینده تنها از طریق برداشت از آب‌های سطحی میسر خواهد بود.

مدیریت منابع آب وزارت نیرو وظیفه برنامه‌ریزی، توسعه و مدیریت سیستم‌های اصلی منابع آب کشور شامل شبکه‌های آبیاری و زهکشی را به عهده دارد. وزارت جهادکشاورزی مسئولیت شبکه‌های آبیاری و زهکشی درجه سه و سطح مزرعه را به عهده دارد. همچنین مواردی نظیر پوشش انهار درجه سه، ساخت سازه‌های کوچک تأمین آب، بهبود زهکشی و غیره را نیز در بر می‌گیرد.

سطح پوشش اراضی آبی از ۳/۵ میلیون هکتار در سال ۱۹۷۹ به ۷/۸ میلیون هکتار در سال ۲۰۰۳ رسید. در حال حاضر در حدود ۸۰ درصد از اراضی با نظام‌های زراعی خرده مالکی اداره می‌شوند و در حدود ۹۰ درصد اراضی

تحت آبخور کانال‌های درجه سه و مزرعه در کشور به صورت سنتی آبیاری می‌شود. سازه‌های توسعه منابع آب مثل سد‌ها ذخیره‌ای و انحرافی، سرریزها و کانال‌های اصلی به علت عدم تکمیل شبکه‌های انتقال و توزیع، پایین‌تر از ظرفیت استفاده می‌شوند. سطح اراضی آبخور شبکه‌های مدرن تکمیل شده در حدود ۱/۳ میلیون هکتار است که براساس آمار سال ۱۹۹۹ حدود ۱۸ درصد از کل اراضی آبی را تشکیل می‌دهد. در حالی که شبکه‌های تکمیل شده درجه ۳ در حدود ۴۵۰ هزار هکتار می‌باشد. راندمان آبیاری از طریق پوشش آنها و مدرن کردن شبکه‌های آبیاری سنتی از ۳۲ درصد در سال ۱۹۶۹ به ۳۷/۵ درصد در سال ۱۹۹۹ رسید.

برنامه پنج ساله سوم (۲۰۰۵-۲۰۰۰) نقطه عطفی در تاریخ سیاست‌های توسعه آبیاری کشور بود. در این برنامه به جای توسعه سطح زیرکشت آبی به معیارهای صرفه جویی در آب، به جای مدیریت تأمین به مدیریت تقاضا و نیز به پوشش آنها، سیستم‌های آبیاری تحت فشار نظیر آبیاری بارانی و قطره‌ای و سایر سیستم‌های تحت فشار و تسطیح اراضی تأکید بیشتری شد.

براساس اهداف پیش‌بینی شده در برنامه سوم در نظر بوده است که راندمان آبیاری به ۴۰ درصد برسد که در نتیجه آن تولیدات کشاورزی از ۶۰ میلیون تن فعلی به ۷۸ میلیون تن در سال ۲۰۰۵ برسد.

یکپارچه سازی اراضی در مناطقی که با پراکندگی شدید اراضی روبرو می‌باشند انجام می‌شود. این برنامه شامل پوشش اراضی، تسطیح و ساخت جاده بین مزارع است.

در ایران طیف وسیعی از مؤسسات مرتبط با تحقیقات، ترویج و آموزش کشاورزی و تعاونی‌های روستایی وجود دارد که وظیفه خدمات رسانی به کشاورزان را به عهده دارد.

تحقیقات کشاورزی توسط سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی وابسته به وزارت جهاد کشاورزی انجام می‌شود. این سازمان وظیفه‌ای در مورد برنامه‌های آموزش عالی رسمی ندارد، با این حال برنامه‌های آموزش ضمن خدمت را به عهده دارد. لازم است که فعالیت‌های تحقیقاتی بر روی زمینه‌های اولویت دار مثل فناوری بالای مدیریت دام، تولید و مدیریت محصولات زراعی و باغی با ارزش و فعالیت‌هایی متمرکز گردد که موجب افزایش رشد، ایجاد اشتغال و کاهش فقر در مناطق روستایی می‌شود. ترویج کشاورزی در زمینه بهبود فن‌آوری و توسعه منابع انسانی به کشاورزان کمک می‌کند.

خصوصیات اقتصاد روستایی باعث وابستگی جامعه روستایی به اعتبارات و وام‌هایی شده است که از طریق بازار مالی تأمین می‌شود. بازار مالی به دو مؤسسه اعتباری رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شود. بازار مالی رسمی شامل دولت، بانک‌های تجاری، تخصصی و مؤسسات شبه دولتی است.

تسهیلات اعتباری برای سرمایه‌گذاری و یا سرمایه در گردش در بخش روستایی از طریق نهادهای دولتی تأمین می‌شود. سیاست‌های اعتباری بخش روستایی که توسط بانک مرکزی تنظیم می‌شود شامل نرخ‌های حداقل و حداکثر بهره برای بخش کشاورزی و سود بهره سالانه برای سپرده‌های درازمدت است. بانک کشاورزی دستورالعمل‌هایی برای تخصیص اعتبارات به شعب خود می‌دهد. چون بخش اعظم روستائیان برای تأمین احتیاجات اولیه خود نیاز به تسهیلات اعتباری دارند، تقاضا برای اعتبار در این بخش به شدت در حال افزایش است. با این حال، عدم کفایت منابع مالی در بازار رسمی، مردم روستایی و کشاورزان را وادار می‌کند که به وام‌دهندگان غیررسمی روی آورند. دولت اعتبارات خود را که مقدار آن بیش از سپرده‌های بخش است، از طریق بانک کشاورزی

به بخش روستایی تزریق می‌کند. با این حال، نسبت سپرده به اعتبار از ۲۶/۴ درصد در سال ۱۹۹۱ به ۷۹/۳ درصد در سال ۲۰۰۰ رسیده است و بدین ترتیب سطح خوداتکایی مالی بهبود یافته است. طی برنامه‌های پنج ساله اول، دوم و سوم توسعه با اعمال یک سری قوانین نظارتی در بخش مالی وزن زیادی به اصلاحات در بخش مالی داده نشد. در برنامه دوم توسعه بر سیاست‌های مالی زیر تأکید شده بود:

- تجدید ساختار شورای پول و اعتبار برای تضمین سیاست‌های مالی و پولی
- تسهیلات اعتبارات تکلیفی برای تخصیص کمی اعتبارات
- صدور اوراق مشارکت
- سقف‌بندی و سهمیه‌بندی اعتبارات
- پیش‌بینی ۱۲/۵ درصد نرخ رشد پولی، ۳/۸ درصد رشد استقراض دولت از بانک مرکزی و ۱۲/۴ درصد نرخ تورم

در برنامه پنج ساله سوم توسعه اصلاحات جامع و هماهنگی در بخش مالی صورت گرفت. نگرش‌های اصولی برنامه سوم توسعه به شرح زیر است:

۱. کاهش فعالیت‌های شبه مالی دولت مثل سیستم چند نرخ ارز، سیاست تعیین سقف قیمت در بخش انرژی، انواع یارانه و اعتبارات تکلیفی
۲. کاهش تعداد وام‌های تکلیفی
۳. تنظیم نظام بانکی
۴. گسترش طیف ابزار مستقیم مالی صادر شده توسط بانک مرکزی و سایر مؤسسات بانکی
۵. تأمین فضای رقابتی در بخش بانکی از طریق ایجاد بانک‌های خصوصی، توسعه خدمات غیربانکی و توسعه بازار بورس
۶. استقرار سیاست‌های ضد تورمی از طریق صدور اوراق مشارکت، کاهش اعتبارات تکلیفی و کنترل ارز و حفظ ارزش پول داخلی
۷. استفاده از اوراق مشارکت (قرضه) برای تقویت سیستم بانکی از طریق افزایش سرمایه آن.

در حال حاضر صندوق بیمه محصولات کشاورزی حوادث مختلف نظیر زلزله، طوفان، تگرگ، سیل، یخ‌زدگی، خشکسالی، آفات و بیماری‌های گیاهی که قابل کنترل و پیش‌بینی نمی‌باشند را در بر می‌گیرد. درصد پوشش بیمه اراضی تحت کشت در سطح کشور تقریباً ثابت مانده است. نرخ رشد بیش از ۴۰ درصدی در مورد حق بیمه دریافتی حاصل از هر بیمه باعث شده است که تسهیلات بیمه برای کشاورزان گران شود. ریسک‌های ناخواسته، ناهمگنی خصوصیات فیزیکی زراعت، انتخاب غلط، خطرات روحی و عوامل مالی در کاهش تقاضا برای بیمه محصولات مؤثر بوده‌اند.

عدم ثبات و انسجام سیاست‌های اقتصادی در سطح ملی مثل تغییرات ناگهانی در سیاست‌های واردات و صادرات نیز بر قیمت‌ها و تولید بخش تأثیر داشته و منجر به کاهش ظرفیت بازپرداخت تسهیلات بانکی توسط کشاورزان شده است. این موضوع مشکلات فراوانی در مورد جریان اعتبارات از بانک‌ها به سمت بخش روستایی ایجاد

می نماید. برای تسریع در سرازیر شدن جریان اعتبارات به بخش کشاورزی باید اصلاحات پیش‌بینی شده در برنامه پنج ساله چهارم توسعه در اولویت قرار گیرد.

برای اجرای یک برنامه اقدام منسجم، در « چارچوب توسعه پایدار بخش کشاورزی » اولویت‌ها باید به نحوی تدوین شوند که برای مقابله با چالش‌های آینده انجام تعدیل در برنامه‌ها، پروژه‌ها و سیاست‌ها امکان‌پذیر باشد.

در این ارتباط در فرآیند توسعه پایدار کشاورزی می‌بایست سیاست‌های توسعه‌ای زیر مورد تأکید قرار گیرد:

۱. بهبود کارایی مصرف، توسعه و حفاظت از منابع پایه نظیر آب و خاک، مراتع و جنگل‌ها.
۲. بهبود چشمگیر در بهره‌وری محصولات زراعی و باغی و دام از طریق تأکید بیشتر بر خدمات تحقیقی و ترویجی کاربردی با هدف بهبود ضریب خوداتکایی کشور و رقابت‌پذیر نمودن محصولات کشاورزی.
۳. تأکید ویژه در مورد توسعه باغات و توجه به محصولات با ارزش افزوده بالا و تولیدات دامی به منظور دستیابی به نرخ رشد و اشتغال بیشتر در مناطق روستایی و در نتیجه کاهش فقر و کاهش اختلاف درآمدی بین مناطق شهری و روستایی.
۴. بهبود اندازه مزارع از طریق ایجاد تعاونی‌ها و آموزش کشاورزان خرده پا.
۵. توسعه زیرساخت‌های بازاریابی و تدوین سیاست‌های مبتنی بر بازار در بخش‌های بازاریابی، تجارت و مالی از جمله سیاست‌های پولی و ارزی.
۶. گسترش بازار مالیه روستایی.
۷. تأکید بر تولید با صرفه و با کیفیت محصولات صادراتی در راستای الحاق کشور به سازمان تجارت جهانی و رقابت مؤثر در بازار جهانی.
۸. تأکید بر افزایش سهم و رشد سرمایه‌گذاری دولت در زیرساخت‌های بخش کشاورزی و تسهیل سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی.

تأکید بر خودکفایی پایدار محصولات کشاورزی از طریق بهره‌برداری بهینه و کارا از منابع آب و خاک و با ملاحظات زیست محیطی.